

بسم الله الرحمن الرحيم

غرائب الاشعار

(تصحیح انتقادی اشعار عربی خاقانی

به انضمام شرح و ترجمه)

دکتر بوسف اصغری بایقوت

(عضو هیئت علمی دانشگاه جیرفت)

سرشناسه	اصغری بایقوت، یوسف، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	غرائب الاشعار: تصحيح انتقادی اشعار عربی خاقانی / یوسف اصغری بایقوت.
مشخصات نشر	جیرفت: دانشگاه جیرفت، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۸۴ ص.
شابک	۷-۰۰۹۶۴۷۵-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۲۸۶] - ۲۹۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	نمایه.
عنوان دیگر	تصحیح انتقادی اشعار عربی خاقانی.
موضوع	خاقانی، بدیل بن علی، ۵۲۰ - ۵۹۵ق. — نقد و تفسیر
موضوع	interpretation and Criticism — Ali ibn Badil, Khaqani
موضوع	شعر عربی — قرن ۶ق. — ترجمه شده به فارسی
موضوع	Persian into Translations — century th۱۲ — poetry Arabic
موضوع	شعر عربی — قرن ۶ق. — تاریخ و نقد
موضوع	criticism and History — century th۱۲ — poetry Arabic
شناسه افزوده	دانشگاه جیرفت
رده بندی کنگره	۵۵ PIR — الف ۴۱ — ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	۲۳/۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی	۴۴۵۷۳۰۰



انتشارات دانشگاه جیرفت

♦ غرائب الاشعار (تصحیح انتقادی اشعار عربی خاقانی به انضمام شرح و ترجمه) ♦

- ♦ مؤلف: دکتر یوسف اصغری بایقوت
- ♦ نوبت چاپ: اول: زمستان ۱۳۹۵
- ♦ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- ♦ ویراستار: مهدی دهرامی
- ♦ طراح جلد: مصطفی کارگر
- ♦ لیتوگرافی: فرهنگ کرمان
- ♦ چاپ و صحافی: فرهنگ کرمان
- ♦ شابک: ۷-۰۰۹۶۴۷۵-۶۰۰-۹۷۸
- ♦ قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

نشانی: جیرفت، کیلومتر ۸ جاده بندرعباس، دانشگاه جیرفت.

تلفن: ۰۳۴-۴۳۳۴۷۰۷۰، نمابر: ۰۳۴-۴۳۳۴۷۰۶۵.

فهرست مطالب

۱	پیش گفتار.....
۳	مقدمه.....
۲۲	متن مصحح اشعار به انضمام شرح و ترجمه.....
الف - قصاید	
۲۴	۱- بَكَتْ أَبَابُ فَقُلْتُ أَيْ بُكَاءِ.....
۱۱۰	۲- أَنَا مُجِمْ إِنِّي أَكَاكِلُهُ مُفْلِقًا.....
۱۱۲	۳- شَارَفْتُ رَوْطًا خُلَا الرَّيْثُ أَثَرَهَا.....
۱۱۴	۴- يَحْيَى شَيْخُ الْهُدَى فَيَت.....
۱۲۳	۵- شَرَوَانُ أُمُّ الْعَلَى لِكُلِّ أَبٍ.....
۱۲۸	۶- قَضَ خِتَامَ الْمِسْكِ نَغْرُ الْحَبِيبِ.....
۱۲۹	۷- لَيْنُ كُنْتُ أَفْرَغُ فِي بُرْهَةٍ.....
۱۳۱	۸- بَيْغَدَادُ فِي دَرْبِ فَالْوَذِجِ.....
۱۳۲	۹- أَمَشَرَبُ الْخَضِرِ مَاءُ بَغْدَادِ.....
۱۵۸	۱۰- يَا طَيْفَ نَاضِرَةٍ كَصَيْحِ مُسْفَرٍ.....
۱۷۸	۱۱- وَهَا فَارَسِيًّا بِالْحِجَازِ أَشْفَعُ.....
۱۹۸	۱۲- أَطِيرُ الْعُلَى مِنْ سَائِحَاتِ الصَّنَائِعِ.....
۲۰۱	۱۳- سَمَاءُ الْمَجْدِ لِي أَرْضُ الْعِرَاقِ.....

١٤- أَهْتَيْكَ بِالنُّيُوزِ يَا مُقْنَدَى الْأُمَمِ..... ٢٠٥

١٥- أَنَا سَابِقُ الْفَضْلَيْنِ يَوْمَ رِهَانٍ..... ٢٠٧

١٦- كَمْ غَزَالٍ فِي حِجَالِ الْيَمَنِ..... ٢٠٩

١٧- أَجِدُّوا أَسَاتِي لِلنِّشَامِ جِرَاحَتِي..... ٢١٢

١٨- رِيَاضٌ لِلدِّ حَاضِرٍ وَالتَّوَادِي..... ٢١٤

١٩- أُحِبُّنِي لِكُنَّ الْفَضْلُ أَسْ مُعَانِي..... ٢١٨

٢٠- رُوَيْدَكَ يَا نَفْسَ لَا تَتَّعِشْ..... ٢٢٥

٢١- عَنَّتِ الْوُجُوهُ لِمَنْصَبِ الدِّعَانِ..... ٢٢٧

ب-قطعات

٢٢- أَفْضَلُ كَافِي الْأَبْرَارِ خَيْرًا..... ٢٣١

٢٣- الْبِرْدُ كَلْبٌ كَلْبٌ بَارِحٌ..... ٢٣٥

٢٤- حَسِبْتُ عِمَادَ الدِّينِ عَوْدَ مُهْجَتِي..... ٢٣٧

٢٥- يَا صَفْوَةَ الرَّحْمَنِ شَافِعِ خَلْقِهِ..... ٢٣٩

٢٦- أَشْكُو إِلَيْكَ مَا بِي مِنْ لَوْعَةِ النَّصَابِي..... ٢٤١

٢٧- رَدَدْتُ إِلَى خَاقَانِهَا يَاءَ نِسْبَةٍ..... ٢٤٣

٢٨- أَقْلَةُ قَافٍ صَوَّبَ تَبْرِيزَ قُلَّتِي..... ٢٤٦

٢٩- إِذَا مَا عُرُوسُ الْمَكْرُمَاتِ جَلَوْنَهَا..... ٢٤٨

٢٥٠..... ٣٠- مَرَضْتُ بِالرِّى ثُمَّ خَافَنِي.....

٢٥٨..... ٣١- غَضَّ الزَّمَانُ وَ غَضَّ عَيْنُ كَمَالِهِ.....

٢٦٠..... ٣٢- رَضِيَ الْمَوْلَى غِيَاثُ الْخَلْقِ طَرًّا.....

٢٦٢..... ٣٣- نَفَثَاتُ سُلْطَانِ الْعِرَاقِ بِمَدْحَتِي.....

٢٦٥..... ٣٤- قَالَتْ خَضِيتُ فَمَا هَذَا السَّوَادُ لَه.....

٢٦٩..... ٣٥- رَضِيَ اللَّهُ فِي الْحَشْرِ بَعْدَ النَّبِيِّ.....

٢٧١..... ٣٦- أَرَى أَرْضَ فَرْوِينَ بَابَ الْجَنَانِ.....

٢٧٢..... ٣٧- نَزَلْتُ بِالرِّى فِي.....

ج- ابیات ضمیمہ

٢٧٥..... ٣٨- قُلْتُ وَ أَشْهَدُ بَأَنَّ اللَّهَ وَاحِدًا.....

٢٧٦..... ٣٩- أَرَى فِي النَّوْمِ مَا طَالَتْ نَوَاهَا.....

٢٧٧..... ٤٠- قِمِّ بُكْرَةً وَ خُذْهَا بِأُكُورَةِ الْحَيَاةِ.....

٢٧٩..... ٤١- إِذَا مَا الطَّيْرُ غَنَّتْ فِي الصَّبَاحِ.....

٢٨٢..... ٤٢- أَيْنَ أَيْنَ الْكُؤُوسُ وَ الْإِقْدَاحُ.....

٢٨٤..... ٤٣- صَدْتُ فِي بَغْدَادَ طَبِيبًا قَدْ أَلِفَ.....

٢٨٦..... ٤٤- يَا رَبِّ لَيْلٍ مُظْلِمٍ قَدْ قُلْتُ يَا رَبِّ ارْحَمِ.....

٢٨٨..... ٤٥- مُنْذُ قَضَى اللَّهُ وَ جَفَّ الْقَلَمُ.....

- ٢٨٩..... ٤٦- أَفَدِرِي بِنَفْسِي مَنْ بَدَتْ فِي الْمَهْدِ عَنِّي غَافِلُهُ.
- ٢٩٠..... ٤٧- فِي وَصْفِ مَعَالِيكَ مَعَانِي تَنَاهَتْ.
- ٢٩١..... ٤٨- تَعَاطَى الْكَأْسِ مِنْ شَأْنِ الصُّبُوحِ.
- ٢٩٣..... ٤٩- كُنْتُ تَعَاْفُ نَظْرَةً مِنْ لَحْظَاتِ مُغْلَتِي.
- ٢٩٤..... ٥٠- رَضِيتُ بِمِ تَسْمِ اللَّهِ لِي.
- ٢٩٤..... ٥١- مَا أَتَّصَفُ إِذْمَانِي لَوْ أَنْكَرَ إِذْمَانِي.
- ٢٩٩..... فهرست آيات و احاديث
- ٣٠٢..... منابع و ماخذ

پیش‌گفتار

سرآغاز این سطور به سال ۸۹ بر می‌گردد. در ابتدا بر آن بودیم که بر اساس چاپ استاد سجادی ابیات عربی خاقانی را شرح و معنی کنیم، اما با مطالعه بیشتر آن، تازه دریافتیم که ابیات بسیار آشفته و دشوارتر از آن است که تصور می‌شد. اینجا بود که به ضرورت تصحیح مجدد آن پی بردیم. در آن ایام برخی ابیات را بدون دسترسی به اصل نسخه‌ها به صورت انتقادی و براساس نسخه‌بدل‌ها وارد در چاپ سجادی تصحیح کردیم و در مقاله‌ای به چاپ رساندیم؛ ناگزیر به سراغ نسخ موجود استفاده دکتر سجادی رفتیم و علاوه بر این نسخه‌ها به چند نسخه خطی دیگر نیز دست یافتیم، اما آن نسخه‌ها به جز نسخه (مج ۲) آن هم به ندرت گاهی از کار نگشودند. در نهایت، چهار نسخه خطی و سه نسخه چسبایی که در مقدمه معرفی آنها آمده است، مبنای تصحیح قرار گرفت. از آنجا که نسخه (مج ۱) از نظر صحت و اصالت متن ارجحیت بیشتری داشت، نسخه اساس و نسخه (ل) که بخش قابل سرچشمی از ابیات عربی خاقانی را منحصرأ دارا بود در اولویت دوم قرار گرفت.

برای آنکه تمامی ابیات عربی دیوان خاقانی در این اثر جمع آید دیگر ابیات عربی خاقانی را که در اثناء قصاید و غزلیات فارسی وی آمده است، با عنوان «ابیات ضمیمه» بعد از قصاید و قطعات وارد کردیم. مجموع ابیات مصحح در این متن به ۸۴۱ بیت می‌رسد که از این تعداد ۵۰۱ بیت آن به قصاید و قطعات، و ۴۱ بیت آن به ابیات ضمیمه اختصاص دارد.

از آن جهت که اغلب اشعار عربی خاقانی همچون اشعار فارسی وی منظم و مبهم و دشوار و دریافت معنی آنها نیازمند شرح و تفسیر بود، این مهم نیز با استفاده از منابع مختلف و دیگر آثار خاقانی برای تک تک ابیات، بعد از متن مصحح آنها فراهم گردید. گاهی به ندرت بعد از معنی برخی ابیات، علامت سؤال (?) نیز آمده است؛ این علامت بیانگر آن است که معنی ارائه شده - به جهت تعقید و ابهام متن بیت - همچنان نیاز به تأمل بیشتری دارد.

اثر حاضر حاصل تلاش‌های چندین ساله نگارنده و اولین کار جدی در این زمینه است و به جرئت می‌توان گفت که در این سطور بسیاری از آشفتگی‌ها و دشواری‌های اشعار عربی خاقانی

سامان یافته و طلسم غرابت آن به کلی شکسته شده است، با وجود این، نگارنده معترف است که صورت مصحح برخی از ابیات همچنان جای تأمل دارد و ممکن است چنین مواردی با دسترسی به نسخه‌های دیگر، مجدداً تصحیح شود.

امید است اثر حاضر برای شناختن اشعار عربی خاقانی مفید و یاریگر باشد و در این زمینه منبعی معتابه تلقی گردد. نگارنده در پایان انتظار دارد که خوانندگان عزیز اگر مطالبی را شایسته یادآوری و اصلاح جدی ببینند، از تذکر آن دریغ نورزند که بی‌شک نظرشان درخور امتنان خواهد بود، و آلا به دة انصاف بنگرند و برخی سهوهای قلمی را بر این جانب ببخشایند: «إِنَّ الْإِعْتِرَافَ بِالنَّقْصِ كَفِيلٌ بِنَيْلِ الْعَفْوِ».

دوستانی در سامان‌یستن این کتاب به نوعی سهیم‌اند که سپاسگزاری از آنان بر راقم این سطور فریضه است. آقای احمد امجدی که سال‌ها پیش متن اشعار عربی را با دقت تمام تایپ کرده‌اند. دکتر مهدی دهرامی همکار فاضلم که تنها در این مسیر مایه دلگرمی بنده بوده، بلکه ویرایش و صفحه‌آرایی این اثر نیز حاصل زحمات ایشان است؛ دکتر عزیز حجاجی کهجوق، آن عالم وارسته‌ای که سیاهه این نوشته را با حوصله وافق و تاه اکمل مطالعه کرده‌اند و بسا پیشنهادهای استحساناتی مطرح فرموده و در مواردی نیز خطاهای نگارنده را به اصلاح آورده‌اند؛ دکتر وحدت مهدی، فاضل دانش دوستی که از هیچ کوششی دریغ نورزیده خاصه در فراهم آوردن نسخه‌های عکسی (مج ۱) و (مج ۲) به سعی ایشان بوده است؛ دکتر محمد حجازی فرد دانشور و بزرگواری که هم سبب آشنایی بیشتر این جانب با استاد دانشمند دکتر نصرالله امامی گردیده و هم نه‌ویر چاپ سنگی هند دیوان خاقانی را از آن استاد دریافت کرده و برایم فرستاده‌اند. خدای بزرگ این عزیزان را همواره سرفراز و سعادتمند گرداند. ناگفته‌نماند که اثر حاضر در قالب طرحی تحقیقاتی در دانشگاه جیرفت به سامان رسیده و با مساعدت انتشارات آن دانشگاه نشر یافته است. والله الحمد اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً.

یوسف اصغری بایقوت

بایقوت - مرداد ۱۳۹۵

خاقانی از فحول شعرای قرن ششم و بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی آذربایجان و قفقاز است. جایگاه رفیع و منحصر به فرد وی در حوزه شعر و سخن نه تنها بر شاعران و سخنوران آن روزگار معلوم بوده است بلکه امروزه نیز بر هیچ محقق و ادیبی پوشیده نیست؛ اگر آن روز شاعر در آثار و اشعارش به برتری خود نسبت به اقرانش می‌بالید و همه آنان را عیال و ریزه‌خوار اشعار خود می‌دانست، امروز نیز نزد همه روشن و مسلم است که این نوع ادعاها و خودستایی‌های وی صرفاً ناشی از احساسات شاعرانه یا آن‌چنان‌که برخی از محققان امروزی پنداشته‌اند از عقده حقارت نبوده است؛ برتری بلامنازع خاقانی در عرصه شعر و سخن بر اقران و امثالش در عصر خود، و بعدها اقبال شاعران بزرگی چون عطار، سعدی، مولوی و حافظ و ...^۱ به آثار و اشعار وی این حقیقت را بعینه روشن و مسلم می‌کند، و وی را از اتهام عقده حقارت مبرا می‌دارد.

خاقانی از سخنگویان وی لایع و بلند فکر و یکی از استادان بزرگ زبان پارسی و در درجه اول از قصیده‌سرایان عصر خویش می‌باشد. او «از آن سخن‌سرایان است که به نیروی طبع بلند و اندیشه توانا و قریحه سرشار خود بر آوردن هر گونه معنی (مأنوس و نامأنوس) و نمایاندن همه مضامین در کسوت الفاظ توانا بوده و در رام دادن معانی صعب اقتداری بنهایت داشته‌اند».^۲

اطلاعات وسیع علمی خاقانی از یک سو محیط زندگی و فرهنگی خاص آذربایجان از سوی دیگر سبب گردیده است که وی سبک و «شیوه‌ای تازه در رسم باستان» بیاورد؛ شیوه‌ای که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در آثار شاعران بزرگ آن دیار چون نظامی گنجوی، و در آثار شاگردان و مقلدان خاقانی نظیر مجیر بیلقانی و اثیر اخسیکی و غیره دید. با این تفاوت که خاقانی «در قصاید خود اسلوبی خاص و طرزی مخصوص داشته که شعرای دیگر نداشته‌اند بلکه [این ویژگی] از مختصات خودش می‌باشد».^۳

۱ - ر.ک: دیدار با کعبه جان، عبدالحسین زرین‌کوب، صص ۱۲-۱۵ و نیز: با کاروان حله، صص ۱۸۷ و ۱۸۹.

۲ - ر.ک: خاقانی شاعری دیر آشنا، علی دشتی، صص ۸۸-۱۴۱؛ حافظ نامه، بهاء‌الدین خرمشاهی، صص ۴۲-۴۹.

۳ - سخن و سخنوران، بدیع‌الزمان فروزانفر، ص ۶۱۴.

۴ - ریحانة الادب، میرزا محمدعلی مدرس، ج ۲، ص ۱۱۰.

اشعار خاقانی که یکی از ذخایر عظیم ادبی است به دلایلی از جمله اشتغال بر علوم مختلف و سبک و شیوه خاص شاعر غریب و نامأنوس می‌نماید. احاطه خاقانی به اغلب علوم و اطلاعات و اسرار مختلف عهد خود و استفاده از آن همه اطلاعات در تعاریض کلام خود موجب دشواری و غرابت بخشی از اشعارش شده است.^۱ سبک و شیوه خاص خاقانی نیز موجب دشواری و غرابت شعری وی گشته است؛ شیوه و سبکی که «بر پدید آمدن معنی‌های ناآشنا و آفریدن تعبیرات تازه مبتنی است. دقت در توصیف که موجب تشبیه‌های غریب و تعبیرهای بی‌سابقه است، و غور در مناسبات لفظی معنوی که سبب ابداع معانی نو و صنایع بدیع می‌شود ... و این نکته گاه منتهی می‌شود به این که سخن وی زیاده مشکل و غریب جلوه می‌کند».^۲

عامل مهم دیگری که فهم اشعار خاقانی را دشوار و پیچیده می‌کند بهره‌وری سروده‌های وی از زبان‌های مختلف به خصوص فارسی، عربی و ترکی است. ورود و تلاقی همزمان این زبان‌های مختلف ناهمگون در آثار شاعر موجب دشواری و دیر فهمی اشعار او شده است. بنابراین کسی که به هر کدام از این زبان‌ها آشنایی نداشته باشد، مسلماً از عهده فهم بخش‌هایی از اشعار خاقانی بر نخواهد آمد. استاد فروزانفر نیز همین امر را علت دشواری بخشی از اشعار خاقانی دانسته و گفته است: «احاطه خاقانی بر لغات فارسی و عربی و اصطلاحات فلاسفه و اطبا و دقت ادبی او در ترکیب الفاظ سبب پوشیدگی آراء و افکار ساده وی گردید. البته جهت تکمیل سخن استاد فروزانفر باید لغات ترکی را نیز بدان افزود که از نگاه تیزبینانه آن استاد دور مانده است. در آثار خاقانی مسلماً بیشترین سهم از نظر زبانی از آن فارسی و عربی است و اندک این منظر سهم زبان ترکی به حداقل می‌رسد؛ اما نباید تأثیر زبان و فرهنگ ترکی را در آثار خاقانی نادیده گرفت چرا که بسیاری از بن‌مایه‌ها و مضامین شعری خاقانی برگرفته از آن زبان و فرهنگ است. ناگفته نماند که برخی از محققان اصلاً دلیل پیچیدگی زبان خاقانی را حمل بر این کرده‌اند که: «پارسی زبان مادری او نبوده و به قوه فرو رفتن در کتب لغت و ادب و کثرت مراجعه به استادان پیشین این

۱ - رک: تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، جلد دوم، صص ۷۸۲ و ۷۸۳.

۲ - دیدار با کعبه جان، عبدالحسین زرین‌کوب، ص ۲۰.

۳ - سخن و سخنوران، ذبیح‌الله صفا، صص ۶۱۵.

تسلط کم نظیر برای وی حاصل شده است.^۱ و عده‌ای نیز همین زبان ترکی را زبان مادری خاقانی دانسته‌اند.^۲ به هر حال این گفته‌ها حاکی از آن است که در آثار خاقانی نمی‌توان تأثیر زبان و فرهنگ ترکی را نادیده گرفت.

از قدیم‌الایام کسانی به شرح و تبیین اشعار خاقانی پرداخته‌اند و گاهی بخشی از اشعار دیوان او را و گاهی فقط ابیات دشوار آن را شرح کرده‌اند و گاهی نیز از زاویه‌های مختلف و به صورت موضوعی دیوان وی را بررسی نموده‌اند.

در این مورد بحث ما بر سر اشعار عربی خاقانی است که همچون اشعار فارسی وی سخت مبهم و دشوار می‌نماید. بخشی از این دشواری را باید ناشی از عدم ضبط صحیح نسخه‌های خطی و جایی و بخشی دیگر آن مربوط به ویژگی سبک خاص شاعری وی دانست. نیز سروده شدن این اشعار به زبان عربی خود به خود دشواری آن را دوچندان کرده است. البته عدم توجه محققان به این بخش از اشعار خاقانی خود من مهم دیگری است که موجب گردیده است که دشواری و آشفتگی آن همچنان به قوت خود باقی بماند.

اشعار عربی خاقانی با آنکه غرائب است اما همان غریب مانده است به طوری که کمتر محققى را از گذشته تا کنون می‌توان یافت که در اشعار عربی خاقانی سخنی در خور گفته باشد. استقرانی که در چند اثر معروف صورت گرفت این گفته را تأیید می‌کند؛ نویسنده کتاب «دانشمندان آذربایجان» با آنکه مهارت و فضایل خاقانی را در شاعران و شاعران به خوبی توصیف کرده است اما اصلاً به عربی‌دانی و عربی‌گویی وی اشاره‌ای نداشته است. نویسنده ریحانة الادب نیز توجهی بدین موضوع نداشته است.^۳ ذبیح‌الله صفا با آنکه تحقیق مفصلی در باره خاقانی

۱ - خاقانی شاعری دیرآشنا، علی دستی، ص ۲۰ و نیز راک: قلمرو سعدی از همین نویسنده، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۲ - راک: خاقانی سروانی (حیات، زمان و محیط او)، غفار کندلی هریجی، ص ۱۶۳ و نیز: راک: افضل‌الدین خاقانی سروانی (فصلی از تاریخ ادبیات آذربایجان)، م. سلطانف، با ترجمه حسین صدیق، صص ۴۷ و ۴۸.

۳ - راک: دانشمندان آذربایجان، محمدعلی تربیت، صص ۱۲۹-۱۳۲.

۴ - راک: ریحانة الادب، میرزا محمدعلی مدرسی، ج ۲، صص ۱۰۹-۱۱۵.

ارائه داده اما از پرداختن بدین موضوع چشم پوشی کرده است.^۱ استاد فروزانفر نیز در کتاب ارزشمندش «سخن و سخنوران» سخنی از سروده‌های عربی خاقانی به میان نیاورده است.^۲ ادوارد براون نیز در این زمینه با محققان ایرانی همسوز شده و از توجه به سروده‌های عربی خاقانی غافل مانده است.^۳ علی دشتی هم در کتاب «خاقانی شاعری دیر آشنا» که مخصوصاً درباره خاقانی نوشته است همچنان این بخش را نادیده گرفته است. در میان متقدمان عبدالرحمان جامی آنجا که به شرح حال خاقان پرداخته به تناسب موضوع بحث اشاره‌ای به یکی از قصیده‌های عربی خاقانی کرده است. او می‌گوید: «وی در زمان خلافت المستضی بنورالله بوده، و در قصیده‌ای عربی که در مدح بغداد گفته، ذکر وی کرد.»^۴ از محققان معاصر غفار کندلی هریسچی شاید نخستین کسی است که از پرداختن به اشعار عربی خاقانی غافل نمانده و به تناسب بحث گاهی اشاره‌ای بدین بخش از اشعار شاعر نموده است. بعضی از تعدادی از این ابیات نیز ترجمه‌ای آزاد ارائه داده است.^۵ استاد سلطانیف نیز چهار بیت از اشعار عربی خاقانی را ترجمه کرده است.^۶ استاد شفیع کدکنی نیز در مقاله‌ای به تناسب بحث، چهار بیت از اشعار عربی خاقانی را تصحیح و ترجمه نموده است.^۷ راقم این سطور هم طی مقالاتی که در این کتاب السب بدانها اشاره رفته این بخش از اشعار عربی خاقانی را مورد بررسی قرار داده است. تنها جایی که ترجمه‌ای از تمامی اشعار عربی خاقانی

۱ - ر.ک: تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، دبیح‌الله صفا، صص ۷۷۶-۷۹۴.

۲ - ر.ک: سخن و سخنوران، بدیع‌الزمان فروزانفر، صص ۶۱۲-۶۸۴.

۳ - ر.ک: تاریخ ادبیات ایران (از فردوسی تا سعدی)، ادوارد براون، ترجمه غلامحسین صدیقی، صص ۸۴-۸۵.

۴ - نفحات الانس من حضرات القدس، نورالدین عبدالرحمان جامی، تصحیح دکتر محمود عابدی، ص ۱۲۷۰.

۵ - ر.ک: خاقانی شروانی (حیات، زمان و محیط او)، غفار کندلی هریسچی، ترجمه میرهدایت حصاری، صص ۲۱۷، ۲۵۳، ۲۴۴.

۵۸۳، ۳۶۵.

۶ - ر.ک: افضل‌الدین خاقانی شبروانی (فصلی از تاریخ ادبیات آذربایجان)، م. سلطانیف، با اقتباس و ترجمه حسین صدیق، ص

۳۶.

۷ - «نگه‌های نو یافته درباره خاقانی، محمد رضا شفیع کدکنی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۸۵، دوره ۵۱.

دیده می‌شود^۱ چاپ لکنهو است که تحت عنوان «کلیات خاقانی» در سال ۱۲۹۳ در دو مجلد و ۱۵۸۲ صفحه چاپ سنگی شده است. این چاپ حاوی شرحی است که توسط مولانا سید محمد صادق علی غالب لکنهوی در حواشی صفحات نگاشته شده است. در بخش اشعار عربی ترجمه ابیات در زیرشان آمده و سپس در ذیل و حواشی ابیات، توضیح لغات و شرح ابیات نوشته شده است. البته اشعاری نیز به عربی در این چاپ وارد است که با سبک کلام خاقانی تناسب و قرابتی ندارد. این چاپ از نظر علمی فاقد اعتبار و ارزش است؛ صورت ابیات عربی در این چاپ به مراتب آهسته‌تر و مغلوط‌تر از دیگر چاپ‌هاست و ترجمه‌ای که بر این ابیات مغلوط نوشته شده بی‌معنی‌ترین معنی‌هاست، حتی معانی ذکر شده بدون تطبیق با متن ابیات نیز همچنان بی‌معنی و نامفهوم است.

نه تنها تذکره‌نویسان و مفسران گذشته و امروزی نسبت به اشعار عربی خاقانی بی‌مهری و کم‌لطفی نشان داده‌اند، مصححان، یوژان خاقانی نیز چنان که باید و شاید استقصای بلیغ نکرده و تصحیح معتبر و متقنی از آن ارائه ننموده‌اند.

ویژگی اشعار عربی خاقانی

به طور کلی می‌توان گفت آنچه از موضوعات، مضامین و تصاویر در اشعار فارسی خاقانی دیده می‌شود، در اشعار عربی وی نیز موجود است. چنانکه می‌توانیم بخش اعظم اشعار خاقانی به مدح و ستایش پادشاهان و امیران و شخصیت‌های دینی اختصاص داده‌ایم. او در اشعار عربی خود نیز همان شیوه را پی گرفته است. بخشی از این مدایح درباره پادشاهان و امیران است که در آنها به نام ممدوحان نیز اشاره شده است؛ ابیاتی نیز وجود دارد که ممدوحان مشخص نیست. البته برخی سرزمین‌ها و شهرها همچون بغداد، عراق، یمن، شروان، تبریز، قزوین، اصفهان و ری نیز از

۱- البته در سال ۱۳۸۹ کتابی با عنوان «آفتاب نهان خاقانی» در شرح و ترجمه اشعار عربی خاقانی به قلم علیرضا رضایی حمزه‌کندی و وحید رضایی حمزه‌کندی از سوی انتشارات بونای ارومیه منتشر گردید که نه تنها گرهی از کار نگشود بلکه به توبه خود آسفتگی این بخش را دو جلدان نمود. ر.ک: «نقد کتاب آفتاب نهان خاقانی» به قلم نگارنده و مهدی دهرامی، نشریه کتاب ماه ادبیات، سال پنجم، شماره ۵۲، بهار ۱۳۹۰.

ستایش خاقانی بی‌بهره نمانده‌اند. علاوه بر دو بیتی که در مدح نبی مکرم اسلام (ص) سروده است، شخصیت‌های دینی و مذهبی نیز نظیر امام محمد یحیی، امام جلال الدین خوارزمی، بابویه رافعی، محمد سمعانی و ... نیز مدح شده‌اند.

یأس و ناامیدی، شکوه و شکایت از روزگار و بدبینی و انزجار از ابناء عالم موضوعی است که بر کل آثار خاقانی سایه انداخته است. با این همه شاعر دامن مناعت و عزت خود را از آلوده شدن مصون می‌دارد و در عین فقر استغنا می‌ورزد و بدین جهت که خاقان کلام و سابق الفضلین یوم‌الرهان است سخن می‌بالد و با ذکر چنین مواردی عنان سخنش را به وادی مفاخره می‌کشانند. همین موضوعات و مضامین مشترک موجب شده که شاعر در بسیاری از موارد تن به تکرار دهد؛ البته بیشتر این تکرارها در مضامین و محتوای هرچند گاهی این تکرارها به حوزه زبانی نیز تسری پیدا می‌کند. تصویر افغانی شاعر با بهره‌بردن از باورهای قدیمی، نجوم، طب، شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای از دیگر اشعار شاعر تازی و پارسی وی محسوب می‌شود.

آنچه در اینجا شایان ذکر است این است که خاقانی در قصیده بلندی که در مدح خواجه جلال‌الدین خوارزمی سروده، گویی به استقبال آتش می‌رفته است^۱. نه تنها سرآغاز این قصیده از نظر ساختار کاملاً شبیه معلقات است، بلکه استفاده شاعر از کلمات کهن و خاصی که بیشتر در معلقات دیده می‌شود، این قرابت و شباهت را بیشتر نمایان می‌کند. از تطبیق این قصیده با معلقات می‌توان گفت که خاقانی از میان آنها بیشتر به معلقه امرؤ القیس، طایفه بنی‌عبد و ولید بن ربیع نظر داشته است. این قصیده با در نظر گرفتن تعداد ابیات آن مهارت استاد خاقانی را در سرودن اشعار عربی به خوبی نشان می‌دهد و صحت ادعاهای او را به اثبات می‌رساند. راقم این سطور قصیده مذکور را «معلقه خاقانی» می‌نامد، هرچند این قصیده گوی سبقت از معلقات نمی‌برد.

تسلط بی‌حد و حصر خاقانی بر زبان عربی و ریزه‌کاری‌های آن، مایه اعجاب است. سرودن اشعاری با قافیه‌های دشوار و هنری، رعایت اعنات و لزوم مالایلم و مضمون‌سازی از تمامی

۱ - رک: «مقایسه تطبیقی ساختار و محتوای قصاید عربی خاقانی با معلقات سبع»، به قلم نگارنده و مهدی دهرامی، فصلنامه

پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۳، شماره ۳، صص ۲۷-۴۷.

معلومات خود، نشان‌دهنده تسلط و آشنایی او به زبان عربی است و چنین امری غالباً از عهده هر شاعری برنمی‌آید، اما حقیقت آن است که این بخش از اشعار خاقانی به اعتبار صورت و معنی با هم برابری ندارد کفّه صورتش بر کفّه معنی آن همواره سنگینی می‌کند؛ گرچه از حیث صورت غنی و سمین گشته، اما در معنی فقیر و نحیف مانده است. الحق باید پذیرفت که «رنج خوانندگان در ادراک مقاصد او با نتیجه‌ای که پس از غور و دقت و مراجعه به شروح حاصل می‌کنند برابر نیست.»^۱

شیوه تصحیح و پژوهش

در این متن، اشعار عربی خاقانی بر اساس چهار نسخه معتبر خطی (لندن، مجلس ۱، مجلس ۲، پاریس) و سه نسخه چاپی (عبدالرسولی و سجادی و کزازی) و نیز با توجه به معیارهایی چون زبان و بیان و سبک شاعر تصحیح شده است.

در میان نسخ موجود و معروف از دیوان خاقانی، نسخه مجلس ۱ را می‌توان فعلاً معتبرترین نسخه دیوان خاقانی تلقی کرد،^۲ چه هم از قدمت و اصالت بیشتری برخوردار است و هم ضبط‌های فاسد در آن نسبت به نسخ دیگر اندک است. بدین جهت نسخه مآثور در این تصحیح به عنوان نسخه اساس در نظر گرفته شد. نسخه لندن نیز با توجه به قدمت و اعتبار آن در اولویت دوم قرار گرفت. اما از آنجا که بخشی از اشعار عربی خاقانی صرفاً در نسخه لندن موجود بوده در چنین مواردی خود، نسخه اساس محسوب گردیده است.

مصحح تا جایی که توجیهی بر ضبط‌های موجود در نسخه اساس داشته، در آن را به هیچ وجه جایز ندانسته است اما از آنجا که در تصحیح متون خصوصاً متن‌های ادبی توجه و تکیه به هر کدام از شیوه‌های رایج در امر تصحیح به تنهایی کارساز نیست و مصحح را در یافتن متنی متقن و مورد اعتماد یاری نمی‌کند، از این روی در مواردی که فاسد بودن ضبطی در نسخه‌ای مسلم و قطعی

۱ - سخن و سخنوران، ص ۶۱۶.

۲ - شایان ذکر است که داوری در مورد نسخه‌های خطی و چاپی، استنتاج و استنباطی است که صرفاً از بررسی اشعار عربی خاقانی حاصل آمده است.

می‌نمود و از روی نسخه‌ها هم صورت صحیح آن به حاصل نمی‌آمد، ناگزیر به تصحیح قیاسی روی آورده است. علاوه بر این در مواردی نیز برای اثبات ضبط صحیح بیتی یا واژه‌ای از دیگر آثار نظم و نثر فارسی خاقانی مددجسته است.

در شرح و ترجمه ابیات سعی بر آن بوده است که از کلی‌گویی پرهیز گردد و در عین حال ترجمه روشنی از ابیات ارائه شود و از سویی مترجم به متن اصلی وفادار بماند، به طوری که خواننده بتواند ترجمه را با متن ابیات مطابقت دهد و به ترجمه دقیق آن دست یابد. از این جهت عبارات و جملات به جهت تبیین و تشریح بیشتر ضروری می‌نمود، داخل کروشه ذکر گردید. در توضیح لغات سعی شده است که اغلب واژگان ترجمه شود و خواننده را از مراجعه به فرهنگ لغات بی‌نیاز سازد. از ابیات اشعار خاقانی سرشار از باورها و تلمیحات و اشارات تاریخی و اسطوره‌ای و قرآنی و علمی است و بدون توجه بدین موارد اغلب نمی‌توان از عهده فهم اشعار وی برآمد، عنداللزوم چنین مواردی را دست‌نشان کرده و یا نکته‌ها یادآوری کرده‌ایم.

www.kelad.com